



## نقش و جایگاه حکمرانی خوب در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر

عیسی عبادی

**چکیده.** اعتیاد به سوء مصرف مواد مخدر و روانگردان ها به عنوان یک تهدید استراتژیک و پدیده ای چند وجهی با ریشه دوانیدن در اجزای مختلف بدنه جامعه، دولتها را با مشکلات پیچیده اجتماعی مواجه ساخته است. ویژگی چند وجهی و پیچیده بودن اعتیاد نیز سبب شده است موفقیت برنامه های دولتها در مبارزه با این ناهنجاری اجتماعی و بلیه خانمانسوز به چالش کشیده شود. با توجه به ابعاد پیچیده معضل اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان ها در جامعه به ویژه از منظر اجتماعی ضرورت دارد استفاده از ظرفیت های اجتماعی در مبارزه با این پدیده خانمانسوز مورد توجه قرار گیرد چرا که جنبه اجتماعی اعتیاد می طلبد راهکار و رویکردی که از سنخ اجتماعی و مشارکتی باشد مورد توجه و نظر قرار گیرد. روی همین اصل طی سالیان اخیر رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر مورد توجه و اقدام جدی ستاد مبارزه با مواد مخدر قرار گرفته است. اینکه این رویکرد تا چه میزان با موفقیت همراه گردد و به عبارتی به اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر منجر شود نیاز به تحقق الزامات (نهادی، ساختاری و حقوقی) و فراهم کردن مولفه های اجتماعی شدن مبارزه است تا در سایه آن و با بهبود و افزایش مشارکت پذیری اجتماعی در مبارزه با مواد مخدر و روانگردان ها بتوان این رویکرد مثبت را به منصف ظهور رساند.

از آنجا که مولفه های اجتماعی کردن مبارزه متأثر از تمام یا برخی از عناصر مربوط به حکمرانی خوب و قابل طرح در چهارچوب مفهومی حکمرانی خوب است، سعی شده است به طور مفصل به عناصر و مولفه های این دو رویکرد نظری پرداخته شده و نقش و تأثیر تحقق حکمرانی خوب در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

**کلیدواژگان:** اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر، مولفه های اجتماعی شدن، حکمرانی خوب، مولفه های حکمرانی خوب،

مشارکت اجتماعی

## The Role and Position of Good Governance in the Communitarianism of Drug Control

**Abstract.** Addiction to drugs and psychotropics abuse as a strategic threat and a multifaceted phenomenon rooted in various components of the body of society, have faced governments with complex social problems. Because of multifaceted nature and complexity of addiction, the success of governments' programs to combat this social anomaly and domestic violence has also challenged. Given the complex dimensions of the drug and psychotropic problem in society, especially from a social point of view, it is necessary to consider the use of social capacities to combat this domestic violence phenomenon, since the social aspect of addiction requires a social approach and strategy must collaborativated and considered. On the same principle, the communitarianism of drugs control approach has received considerable attention and action in recent years. To what extent this approach succeeds, that need to meet the requirements and to provide the components for increasig social participation in drugs control, for succeed this positive approach.

By same elements of the communitarianism and good governance and their same conceptual framework, this article attempts to elaborate on the elements and components of these two theoretical approaches. And analyze the role and impact of good governance in the communitarianism of drugs control.

**Keywords:** Communitarianism in Drug Control, Communitarianism Components, Good Governance, Good Governance Components, Social Participation.

### ۱- مقدمه

امروزه اعتیاد به سوء مصرف مواد مخدر و روانگردان ها به عنوان یک آسیب اجتماعی چند وجهی که خود موجب آسیب های تبعی دیگر از جمله طلاق، سرقت، خشونت، جرم و جنایت و غیره می باشد، تهدیدی استراتژیک از سوی کشورهای نظام سلطه علیه امنیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای مستقل از جمله جمهوری اسلامی ایران است که در قالب جنگ نرم پیاده می شود. اعتیاد پدیده ای چند وجهی است که با ریشه دوانیدن در اجزای مختلف بدنه جامعه، دولتها را با مشکلات پیچیده

اجتماعی مواجه می‌سازد. پیچیدگی و ویژگی چند وجهی اعتیاد سبب شده است موفقیت برنامه‌های دولتها در مبارزه با این ناهنجاری اجتماعی و بلیه خانمانسوز به چالش کشیده شده و با شکست مواجه شود.

با توجه به ابعاد پیچیده معضل اعتیاد به موادمخدر و روانگردان‌ها در جامعه، چه از لحاظ عوامل سبب ساز و چه از نظر اثرات اجتماعی اعتیاد، ضرورت دارد استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی و مشارکت<sup>۱</sup> فعال مردم در مبارزه با این پدیده مخرب مورد توجه قرار گیرد چرا که جنبه اجتماعی اعتیاد می‌طلبد راهکار و رویکردی که از سنخ اجتماعی و مشارکتی باشد مورد توجه قرار گیرد. تا بلکه بتوان با بهبود و افزایش مشارکت پذیری اجتماعی در مبارزه با موادمخدر و روانگردان‌ها به موفقیت‌های بیشتری دست یافت و آلودگی‌ها و آسیب‌های ناشی از اعتیاد به مواد را از چهره اجتماع زدود. روی همین اصل طی سالیان اخیر رویکرد اجتماعی شدن مبارزه با موادمخدر مورد توجه و اقدام جدی ستاد مبارزه با مواد مخدر قرار گرفته است.

اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر فارغ از اینکه از نگاه بالادستی دارای چه اهدافی باشد و با چه ابزارها و روشهایی از سوی مطرح‌کنندگان آن مورد پیگیری و اجرا قرار گیرد از منظر بیرونی و پایین دستی نیازمند تحقق الزامات و پیش‌نیازهایی است و ممکن است از برخی مسائل و موضوعات اجتماعی و سیاسی و... تأثیر پذیرفته و دارای روابط یک سویه، دوسویه و یا چند سویه با آنها باشد. بر این مبنا و با توجه به انطباق چارچوب مفهومی و اشتراک مولفه‌ها و عناصر اجتماعی شدن مبارزه با نظریه حکمرانی خوب<sup>۲</sup>، در این مقاله از بین مفاهیم و رویکردهای اثرگذار و مرتبط با رویکرد اجتماعی شدن، ارتباط و نقش حکمرانی خوب در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. و ضمن تبیین مفهوم اجتماعی شدن مبارزه و ارتباط آن با دیگر مفاهیم جامعه‌شناختی از جمله مشارکت و سرمایه اجتماعی<sup>۳</sup> به نقش و جایگاه حکمرانی خوب در اجتماعی شدن مبارزه و تأثیر و تأثر آن از رویکرد مذکور پرداخته خواهد شد.

در این مقاله از روش تحقیق کتابخانه‌ای-اسنادی استفاده شده است. برای این منظور پس از تعیین موضوعات کلیدی (اجتماعی کردن مبارزه و حکمرانی خوب) و موضوعات فرعی مرتبط با دو موضوع اصلی، منابع مورد نیاز و در دسترس اعم از کتب علمی داخلی و خارجی، نشریات، مقالات پژوهشی، گزارشات طرح‌های پژوهشی ملی مرتبط و سایر منابع قابل استفاده جمع‌آوری و پس از فیش برداری از نکات قابل استناد، یافته‌های علمی و تجربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سعی شده است حاصل بیش از ۱۰ سال تجربیات کارشناسی و حرفه‌ای نگارنده در ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز که قابلیت طرح و بیان داشته‌اند در تجزیه و تحلیل مطالب مورد استفاده قرار گرفته و به غنای مباحث افزوده شود.

## ۲- رویکرد اجتماع‌گرایی<sup>۴</sup>

رویکرد اجتماع‌گرایی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم و در تقابل با رویکرد غالب لیبرالیستی وارد علوم اجتماعی شد، راه حل بحران اجتماعی ناشی از موازین و رویکردهای لیبرالیستی را در توجه به ظرفیت اجتماع دانسته و اصل تعدد و تکثر را در این زمینه می‌پذیرد و نقش تعدد از این منظر نه به عنوان معضل، که به عنوان یک ارزش قابل احترام مورد توجه قرار می‌دهد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

از نظر اجتماع‌گرایان، شیوه‌ناامنی اجتماعی و افزایش خشونت، جنایت و طلاق در برخی جوامع، نتیجه این باور است که عقل انسان به تنهایی و منفصل از سنت و اجتماع، قادر است ضمن محاسبه منافع و مضار هر عمل، بهترین آن را گزینش کند. به عقیده آنها، دولت نمی‌تواند جامعه را به حال خود رها کند تا مردم به تنهایی، خودمختاری‌شان را محقق ساخته و حقوق خود را به دست آورند، چنین وضعیتی پیش از هر چیزی، نوعی گسیختگی اجتماعی و فاجعه اخلاقی به دنبال داشته و بنیادهای داخلی امنیت را متزلزل می‌سازد (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۰۲). رویکرد اجتماع‌گرایی، به نوعی معنا، مرجع و ساز و کارهای تحقق امنیت پایدار ملی را تغییر داده است. به گونه‌ای که در تعبیر جدید از امنیت، علاوه بر نقش دولت، بر نقش جامعه تأکید می‌شود. امنیت، تنها دفع یا فقدان تهدید نیست، بلکه تعقیب مداوم و مرتب ایمنی، از طریق اقدام مثبت و پیشگیرانه است که امنیت را در پی می‌آورد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۴). و این همان چیزی است که در دهه اخیر مورد توجه

<sup>1</sup> Participation

<sup>2</sup> Good Governance

<sup>3</sup> Social Capital

<sup>4</sup> Communitarianism

متولیان امر در مبارزه با شکل گیری و گسترش اماکن و پاتوقهای تولید، توزیع و مصرف مواد که در برخی مواقع تبدیل به حفره های امنیتی شده و یا قابلیت این اتفاق را دارند، بوده و هست.

در چهره جدید امنیت، جامعه به عنوان مرجع مستقل و دولت به عنوان متغیر وابسته فرض می شود و آسیب پذیری یا انسجام داخلی بیش از تهدید خارجی مدنظر است و متغیرهای چون سرمایه اجتماعی بیش از کنترل شهروندان و اعمال ترس و خشونت منجر به امنیت پایدار ملی می شود (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۰۲). این نگاه در مقابل رویکرد واقع گرایی است که امنیت را به فقدان تهدید تقلیل داده و به جای توانمند سازی کنشگران اجتماعی بر دفاع و صیانت از آنها تأکید می کند (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۴). در واقع رویکرد اجتماع گرایی، در توسعه اجتماعی، نگاه پایین با بالا را جایگزین نگاه بالا به پایین نموده و فرایند توسعه را از قاعده اجتماع به سمت رأس هرم جامعه در پیش می گیرد.

هرچند که اجتماع گرایی رویکردی جدید در منابع علمی دنیا قلمداد می شود، لکن به کرات و به اشکال گوناگون در دین اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است که در این خصوص به عنوان دو نمونه از هزاران به سخنان گرانبار امیر مومنان حضرت علی علیه السلام اشاره می شود؛ ایشان در نامه ۴۷ نهج البلاغه در وصیت خود به حسنین می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که بدکرداران بر شما مسلط می شوند و پس از آن دعا می کنید و اجابت نمی شود. روشن است که این فریضه اسلامی بر همگان و در همه سطوح فردی و جمعی و دولتی و مردمی منتها با رعایت اقتضائات خود، واجب بوده و مصداق بارز اجتماع گرایی و نظارت اجتماعی که امنیت و توسعه نظم اجتماعی را به دنبال دارد می باشد. همچنین حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر هنگامی که ولایت مصر را به او می سپارد، می فرماید: عموم مردم، ستون های استوار دین، اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی هستند پس به آنها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنها باشد (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۹۱-۵۵۹).

### ۳- اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر و الزامات و عناصر آن

روند روز افزون شیوع و بروز اعتیاد و رضایتبخشی پایین دستاوردها در کنترل اعتیاد، مسئولین و متولیان مبارزه با مواد مخدر را بر آن داشت تا با تعریف روشها و شیوه های مشارکتی و تعاملی در مبارزه گام برداشته و رویکرد اجتماعی شدن مبارزه را در دستور کار جدی ستاد مبارزه با مواد مخدر و دستگاههای عضو قرار دهند. این رویکرد که در واقع مبارزه اجتماعی با مواد مخدر و یا به تعبیر دیگر اجتماع گرایی در این مبارزه است، بر ظرفیت سازی اجتماعی در مبارزه و استفاده از ظرفیت های موجود اجتماعی در این مبارزه مهم تأکید دارد.

هرچند رویه مشارکتی از دهه ۸۰ شمسی مورد توجه قرار گرفته بود (بقایی سرابی، ۱۳۹۷: ۲۸۹) لکن با روی کار آمدن دولت های یازدهم و دوازدهم و تقارن آن با برنامه های پنجم و ششم توسعه خصوصاً برنامه ششم که توجه خاصی به آسیب های اجتماعی نموده است (بقایی سرابی، ۱۳۹۷: ۳۱۰)، ستاد مبارزه با مواد مخدر را بر آن داشت تا با تهیه و به تصویب رساندن طرح ملی مبارزه همه جانبه با مواد مخدر، روانگردان ها و پیش سازها با رویکرد اجتماعی گام مهم و جدی تری در اجتماعی شدن مبارزه بردارد. در این خصوص از ابتدای دولت یازدهم گفتمانی در کشور با به کارگیری رسانه های ارتباط جمعی و آموزش شکل گرفته و روش پیشگیری اجتماعی از اعتیاد مد نظر قرار گرفت. بی شک، این رویکرد بدون نقش آفرینی، مسئولیت پذیری و مشارکت مردم و نهادهای مدنی و اجتماعی موفق نخواهد شد.

نبود و یا کاهش میزان حضور و همکاری عمومی در مبارزه با مواد مخدر و تأمین امنیت اجتماعی، به ناچار دولت را به افزایش تکیه به قدرت سخت وا می دارد. استفاده از قدرت سخت؛ به نوبه خود از دامنه و شمول افراد مورد نیاز جهت عینی و اجرایی شدن قدرت حکومت که عموم مردم باشند کاسته و تأمین امنیت با تکیه بر گروهی که منافع آنها از این رهگذر حفظ می شود، دنبال می گردد. در نتیجه، در این نگاه سخت افزارانه به امنیت (و توسعه اجتماعی)، مقوله تهدید برجسته می شود و چون نقطه اتکاء دولت گروه محدودی است، نگاه امنیتی به مسائل و پویای های اجتماعی حاکم و بخش اعظم هزینه ها هم امنیتی می گردد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴۲-۱۴۳). نمونه بارز این وضعیت در حوزه مبارزه با مواد مخدر، اجرای مواد ۱۵ و ۱۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ (اصلاحی ۱۳۸۹/۵/۹) است. هر قدر که در استفاده از ظرفیت های قانونی ماده ۱۵ که رویکردی اجتماعی و مردمی دارد کوتاهی شود، باعث افزایش هزینه ها و وظایف

حکمرانان در اجرای ماده ۱۶ قانون مذکور که رویکردی انتظامی-قضایی (دولتی) دارد می شود. در حال حاضر، به خاطر ضعف های عملکردی در اجرای دقیق، کامل و بهینه ماده ۱۵ قانون فوق در یک دهه گذشته، شاهد افزایش تعداد معتادین متجاهر در سطح شهرها هستیم که وظیفه ساماندهی و کاهش آسیب این قبیل معتادان با صرف هزینه های زیادی به عهده حکومت می باشد. و با وجود نقش آفرینی مثبت و بی سابقه حکمرانان در این خصوص، حتی نتیجه های حاصله در درمان معتادین مذکور ضعیف تر از نتایج درمانی حاصل از اجرای ماده ۱۵ قانون توسط بخش خصوصی و نهادهای مشارکتی خواهد بود.

در عرصه اجتماعی شدن مبارزه با موادمخدر تحقق الزامات زیر ضرورت دارد (بقایی سرابی، ۱۳۹۷: ۲۵):

- الزامات نهادی به معنای تلاش کلیه دستگاه های دولتی، نهادهای حاکمیتی و اجرایی برای ایفای نقش و سهم خود در امر مبارزه و انجام کامل تکالیف قانونی و تعهدات ناشی از اسناد فرادستی؛
- الزامات ساختاری شامل اصلاح ساختارها و چابک سازی و اعتماد به نهادهای مدنی؛
- الزامات حقوقی به معنای رفع خلاءهای قانونی.

در حوزه اجتماعی شدن مبارزه با موادمخدر لازم است تمامی موضوعات و جنبه های مبارزه اعم از اقدامات شناختی (علل اعتیاد در جامعه)، اقدامات پیشگیرانه (آموزش و توانمند سازی افراد جامعه، اقدامات حمایتی (برای اقشار آسیب دیده یا در معرض آسیب)، اقدامات مشارکتی (بهره گیری از گروه های داوطلب)، اقدامات درمانی و حمایتی (برای رفع مشکل معتادین) و اقدامات تنبیهی (برای مجازات مجرمین موادمخدر اعم از قاچاقچیان، تولید کنندگان و توزیع کنندگان مواد و انجام اقدامات قضایی و انتظامی علیه این افراد) مورد توجه قرار گرفته و از ظرفیت های اجتماعی در انجام اقدامات مذکور استفاده شود (بقایی سرابی، ۱۳۹۷: ۲۴-۲۵).

با تفکر سیستمی به رویکرد اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر چه در بخش کاهش عرضه (برخورد قضایی و انتظامی) و چه در بخش کاهش تقاضا (پیشگیری، درمان و صیانت)، محصول نهایی مبارزه از مجموعه اقدامات درون و برون سیستمی حاصل می شود که مردم و بخش خصوصی دو عنصر مهم از عناصر این سیستم است. دولت عنصر سوم این سیستم تلقی می شود که در قالب حکمران، وظیفه تقسیم کار و تنظیم وظایف و مقررات و تسهیل گر مشارکت دو عنصر دیگر را به عهده دارد. بر مبنای این تفکر، نظم و امنیت تولیدی نظام مند است که از درون لایه های مختلف سیستم به شکلی درونزا و در نتیجه مناسبات عناصر درون و برون سیستمی مختلف سیاسی-اجتماعی معنا و مفهوم عینی و ذهنی پیدا می کند. در این رویکرد، رابطه نظم و سیستم اجتماعی از نوع انفصالی نیست و خط فاصل مشخصی بین این دو قابل تصور نمی باشد. در رویکرد سیستمی، جامعه در معنای فراگیر خود مرجع امنیت است و به عنوان یک هویت جامع، نظم و امنیت در درون آن معنی شده و بدین ترتیب نظم و امنیت عمومی یک تولید اجتماعی محسوب می شود (غفاری، ۱۳۹۰: ۳۱).

سازمانهای دولتی به عنوان یک سیستم، نیازمند نظم درونی و انسجام سازمانی است. زیرا نظم سازمانی، همبستگی رفتاری و توجه به سلسله مراتب، مقوی اقتدار سازمانی هستند که کارایی و اثربخشی سازمان را افزایش می دهند. با افزایش کارایی و اثربخشی، سازمان مقبولیت و مشروعیت بیشتری پیدا کرده و سرمایه سازمانی آن ارتقاء پیدا می کند. در نتیجه، تعامل آن با جامعه و انجام وظایف و مأموریت های تعیین شده برای آن، با سهولت و هزینه کمتر و نیز تأثیر گذاری بیشتر عملیاتی می شوند (غفاری، ۱۳۹۰: ۳۲).

اجتماعی شدن مبارزه دارای مولفه هایی است که بدون توجه به این مولفه ها و تقویت آنها عملاً فرایند اجتماعی شدن شعاری بیش نبوده و با شکست مواجه می شود. این مولفه ها عبارتند از (بقایی سرابی، ۱۳۹۷: ۲۷): ظرفیت سازی و سازماندهی اجتماعی، آموزش و آگاهی بخشی به جامعه در خصوص جنبه ها، اهداف و ضرورت های اجتماعی شدن مبارزه، تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی توسط حکمرانان مبارزه با مواد مخدر، مسئولیت پذیری و مشارکت فراگیر اجتماعی، سلامت اجتماعی، تعیین کننده های اجتماعی اعتیاد، گروه های مرجع و ذینفعان، بازاریابی اجتماعی، شبکه های اجتماعی، گسترش هنجارها و ارزشهای اجتماعی، اجتماعات محلی، انسجام اجتماعی، امنیت اجتماعی، افزایش تاب آوری و تحمل اجتماعی و توجه به عوامل خطر و محافظت کننده ها.

از بین مولفه های فوق، در اینجا به تعریف و تبیین مفاهیم مشارکت، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی که از اصلاحات کلیدی و مفاهیم پایه در مباحث اجتماعی هستند پرداخته می شود:

**مشارکت:** مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند ( علوی تبار، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۶).

مشارکت عنصری از سرمایه اجتماعی و مقوم آن و ابزار مناسبی در توسعه و توانمندسازی اجتماعی است که کنش انسانی و احساس تعلق اجتماعی را در افراد یک جامعه ایجاد و تقویت می کند.

یکی از ویژگیهای اساسی مشارکت، داوطلبانه بودن، انتخابی و غیرانتفاعی بودن آن است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۶). بنابراین نمی توان در توسعه مشارکت از اجبار و دستور بهره گرفت بلکه بایستی عوامل و زمینه های مشارکت توسط حکومتها فراهم گردد تا افراد جامعه جهت شکل دهی به حیات اجتماعی و برطرف نمودن نیاز جامعه به مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم ترغیب شده و تخصص و توانمندی خود را در جهت توسعه اجتماعی تسهیم نمایند.

**مشارکت اجتماعی:** مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت های داوطلبانه و ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور مربوط به محله، شهر و روستا شرکت کرده و در مناسبات حیات اجتماعی خود مشارکت می نمایند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۵: ۲۸).

مشارکت اجتماعی که از انواع مهم مشارکت محسوب می شود فرایندی است که از طریق آن اجتماع با هم می پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا در آورند. این نوع مشارکت که در مفهوم شهروندی با مشارکت سیاسی نقطه اشتراک دارد، مظهر مبارزه مشترک افراد برای تشکیل انجمنها، اجتماعات، سازمانهای داوطلبانه و غیردولتی به عنوان حقوق اولیه شهروندی است. (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۲) مشارکت اجتماعی شامل انواع فعالیت های فردی یا اجتماعی تأثیر گذار بر تصمیم گیریها و سیاستهای دستگاههای عمومی از سطح پایین تا سطح بالا می باشد. این نوع مشارکت که با مشارکت مردمی قرابت زیادی دارد اولاً مشارکتی است که از متن جامعه بر می آید ثانیاً عرصه های مختلف حیات اجتماعی را در بر می گیرد چنین مشارکتی در برنامه های توسعه اجتماعی به خصوص در سطح اجتماعات محلی و روستاها جایگاه ویژه ای دارد که غفلت از آن و فراهم ساختن بسترهای لازم برای بسط و بهره گیری مناسب از آن، برنامه های توسعه اجتماعی را در سطوح مختلف با مشکلاتی مواجه می نماید (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۸).

گسترش و تعمیق مشارکتهای مردمی، نیازمند سازماندهی، نهاد سازی و ایجاد شرایط ساختاری مناسب است. با وجود اینکه مشارکت الزاماً در چهارچوب سازمانها و تشکلهای صورت نمی گیرد، تشکلهای سازمانهای مردمی آن را نهادینه کرده و سامان می بخشند. امروزه ارتباط و مشارکت هرچه بیشتر مردم با حکومت و دستگاههای دولتی از طریق نهادها و سازمانهای غیردولتی صورت می گیرد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱).

سازمانهای غیردولتی با توجه با دارا بودن ارتباط و نفوذ اجتماعی مطلوب و قابل توجه و دور بودن از دیوانسالاری دولتی، به عنوان تسهیلگر ارتباط و حلقه وصل مردم و حکومت عمل کرده و سازمانهای دولتی را در نیل به اهداف تعریف شده و حل مسائل و معضلات جامعه یاری می کند و فعالیت آنها مکمل اقدامات و فعالیت های دولت می باشد.

تضمین مشارکت مردمی مستلزم حداقل پنج شرط عمده زیر است که باید هنگام هرگونه کوشش برای نهادینه کردن مشارکت عمومی، آنها را به طور کامل در نظر گرفت (سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۷):

(الف) فرهنگ مشارکت (بعد هنجاری): گسترش مشارکت مردمی، به فرهنگ مشارکتی نیازمند است که یکی از مشکلات اساسی در کشورهای عقب مانده نهادینه نشدن آن به دلیل ساختار جامعه و سنتهای موجود است.

(ب) نهاد های مشارکتی (بعد سازمانی): کانون ساماندهی و هدایت مشارکت های مردمی نهادهای مشارکتی است که مانع رواج فرهنگ فرد گرایی شده و فعالیت های جمعی را در زندگی مردم نهادینه می کند.

(ج) نظام اطلاع رسانی: اطلاع رسانی و آموزش برای گسترش مشارکت مردم ضروری است. اگر مردم از ابعاد تهدید مواد مخدر و دامنه آسیب های ناشی از اعتیاد آگاه شوند قطعاً با برنامه های مبارزه همگامی و همکاری خواهند کرد.

(د) تسهیلات و امکانات مادی و تخصصهای ضروری: تسهیلات و امکانات مادی در اختیار مشارکت کنندگان باعث ماندگاری و دوام پذیری فرایند مشارکت خواهد شد.

ه) ساختار دولت: مشارکت نیازمند فضای ساختی غیر متمرکز و دموکراتیک است. مشارکت مردمی با تمرکز گرایی در ساختارهای دولتی همخوانی ندارد. برای رشد و گسترش نهاد های مشارکتی و سازمانهای غیر دولتی فراهم نمودن زمینه های ساختاری در حوزه های سیاسی، دیوانسالاری و قانونی لازم و ضروری است.

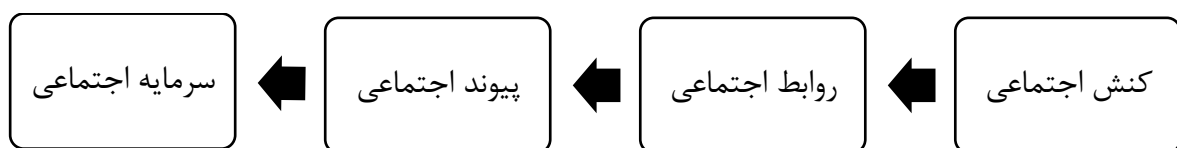
**سرمایه اجتماعی:** با توجه به اشکال، منابع و پیامدهای سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی از سرمایه اجتماعی وجود دارد. در زیر چند نمونه از تعاریف آن آورده می شود:

سرمایه اجتماعی، شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه ها، احساس تعهد و اعتماد دوجانبه نسبت به هنجارها و ارزش های مشترک را شامل می شود. سرمایه اجتماعی رامی توان مجموعه ای از ارزش ها یا هنجارهای غیررسمی مشترک میان گروهی از افراد دانست که با یکدیگر همکاری می کنند (فوکویاما<sup>۱</sup>، ۱۳۷۹: ۲۳). سرمایه اجتماعی توانایی افراد برای کارکردن با یکدیگر در گروه ها و سازمان ها به منظور تحقق اهداف مشترک است (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۱۰). اگر اعضای گروه انتظار داشته باشند که همگی رفتار معقول و صادقانه ای داشته باشند، آنگاه به یکدیگر اعتماد خواهند کرد. اعتماد همان نیرویی است که باعث می شود هر سازمان یا گروهی به شکلی کارآمدتر فعالیت کند.

رابرت پاتنهام<sup>۲</sup> (۱۳۸۰) از متخصصین اخیر سرمایه اجتماعی با تأکید عمده بر نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکومتها و نهادهای دموکراتیک، این مفهوم را بدین صورت تعریف می کند: سرمایه اجتماعی مجموعه ای از مفاهیم شامل اعتماد، شبکه ها و هنجارها می باشد که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنها را تأمین و تسهیل می نماید. پاتنهام اعتماد و ارتباط متقابل میان اعضا در شبکه را منابعی می داند که در کنش های اعضای جامعه موجود می باشد. همچنین از نظر وی، سرمایه اجتماعی به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم های مختلف سیاسی می باشد.

همانطور که در تعریف فوق ملاحظه می گردد تأکید عمده بر مفهوم اعتماد بوده و همین عامل با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی، موجب توسعه سیاسی می شود. بنابراین اعتماد منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می شود که به موازات وجود آن در هر حکومتی، رشد سیاسی و توسعه اجتماعی در حوزه قلمرو آن حکومت افزایش خواهد یافت.

سرمایه اجتماعی مشتمل بر مجموعه ای از ارزش های اخلاقی، روابط، تعاملات، شبکه های اجتماعی و هنجارهای متقابل است که در میان افراد و گروههای اجتماعی وجود دارد و موجب گرمی روابط اجتماعی و تسهیل عمل جمعی و اجتماعی آنها می شود. سرمایه اجتماعی، بیانگر کم و کیف روابط اجتماعی و نحوه تعاملات کنشگران اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به مثابه نوعی دارایی است که در تصاحب و اختیار افراد، گروه ها، سازمان ها، نهادها، حکومت و جامعه است (غفاری، ۱۳۹۰: ۴۱-۳۵). از دیدگاه وبر سرمایه اجتماعی محصول کنش اجتماعی و روابط اجتماعی افراد بوده که در سطح خرد مورد توجه قرار گرفته است (شکل ۱) (غفاری، ۱۳۹۰: ۷۲).



شکل ۱- منبع سرمایه اجتماعی از دیدگاه وبر

سرمایه اجتماعی دارای ابعادی است که مقوم یکدیگر بوده و در مجموع سازنده سازه سرمایه اجتماعی است. مهمترین ابعاد آن عبارتند از: اعتماد، قواعد و هنجارهای حاکم بر کنش جمعی، مشارکت در انجمن ها و شبکه ها، تبادل و تعامل، فعال گرایی، آگاهی اجتماعی و عمومی و ارزشهای اخلاقی (غفاری، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۷).

در یک تقسیم بندی، سرمایه اجتماعی به دو نوع شناختی و ساختاری تقسیم می شود که ویژگی های هر کدام به شرح زیر است (غفاری، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۵):

<sup>1</sup> Fukuyama

<sup>2</sup> Robert Putnam

**سرمایه اجتماعی شناختی:** این نوع از سرمایه اجتماعی خصلت ذهنی دارد تا عینی و مربوط به ارزشها، باورها، نگرشها و پنداشت های اجتماعی است. پنداشت هایی که زمینه را برای اعتماد، تعاون و همکاری اجتماعی فراهم می سازند.

**سرمایه اجتماعی ساختاری:** نوع یا شکل دوم سرمایه اجتماعی ناظر به ساخت و عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی محلی و فرامحلی است که تقویت اعتماد نهادی و مشروعیت بخشی به نظام های نهادی را به دنبال دارد.

سرمایه اجتماعی ساختاری با ساختارها و فرایندها مانند: پاسخگویی رهبران و مدیران جامعه در قبال عملکردشان، شفافیت در تصمیم گیری، میزان تصمیم گیری و اقدام برای کارگروهی، ارتباط پیدا می کند. سرمایه اجتماعی ساختاری، در قیاس با سرمایه اجتماعی شناختی، از عینیت و شهود بیشتری برخوردار است. هر دو شکل سرمایه، دارای وابستگی متقابل با یکدیگر هستند و به صورت هم زمان رفتار و کنش افراد را تحت تأثیر قرار می دهند.

غفاری (۱۳۹۰) سرمایه اجتماعی را دارای کارکردها، منابع و پایه هایی می داند که اهم آنها به شرح جدول ۱ می باشد.

**جدول ۱- کارکرد ها، منابع و پایه های سرمایه اجتماعی از غفاری (۱۳۹۰) - تلخیص از نگارنده**

سرمایه اجتماعی	کارکردهای
سرمایه اجتماعی	رضایت از زندگی، خوش بینی و نشاط اجتماعی، تثبیت مردم سالاری، تعاون گرایی و تسهیل کنش جمعی، تسهیل توسعه و بهزیستی جامعه، کارآمدسازی نهادهای دولتی و تسهیل حکمروایی خوب، افزایش مشارکت مدنی، کاهش عقلت و بی تفاوتی مدنی، کاهش جرم و ایجاد نظم اخلاقی، تقویت وفاق و انسجام اجتماعی، کنترل اجتماعی غیررسمی، تقویت اجتماع اخلاقی، فعال گرایی و پذیرش اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی، سلامت عمومی، کاهش هزینه کنش های جمعی، خویشننداری و تعهد به هنجارهای اجتماعی، گرمی و طراوت اجتماعی، جبران کننده کمبود دیگر سرمایه ها، عام گرایی اجتماعی، روان سازی اجتماعی، کارآمدسازی نیروی کار
سرمایه اجتماعی	دین، سنت ها، ایام و ظرفیت های تاریخی، خانواده، نهاد های آموزشی، رسانه ها، فضاهای عمومی، کالبد و مختصات فیزیکی فضاهای عمومی (ساختار خیابان)، نهاد حکومت، عملکرد و کارایی سازمانی، عدالت رویه ای، تناسب در اقتدار و مقبولیت آن
پایه های سرمایه اجتماعی	در سطح کلان
	در سطح میانی
	در سطح خرد
	حکمرانی خوب و مطلوب، دفاع حکومت از حقوق مدنی و مالکیت، درگیر نشدن حکومت در فعالیت های بخش خصوصی، بیمه اجتماعی (قرین با امنیت جامعه ای)، سخت گیری در برابر هر نوع فرصت طلبی سیاسی، استقلال نظام قضایی و دادگاهها، شفافیت و کارایی آیین دادرسی، حاکمیت قانون، حاشیه ای نشدن مسئولیت اجتماعی دولت، فراهم سازی فرصت و بستر برای مشارکت های اجتماعی، تمرکززدایی و تفویض قدرت به سازمان های محلی، کاهش زبان اجتماعی و لطمه اجتماعی، تاکید بر سیاست پذیرش و ادخال تا سیاست طرد اجتماعی، واقع گرا و شاهد محور بودن سیاست ها تا تصمیم های دلبخواهانه و فصلی، راهبرد استفاده از سرمایه اجتماعی خاص گرایانه به عنوان سکوی برای عزیمت به سرمایه اجتماعی عام گرایانه، سیاست زبان کاهی یا صدمه زدایی به جای طرح شعار ریشه کن کردن مشکلات (در جایی که این امکان وجود ندارد)، پرهیز از امنیتی کردن حوزه و فضای اجتماعی (امنیتی شدن حوزه اجتماعی موجد کاهش سرمایه اجتماعی و در عوض موجب شکل گیری سرمایه اجتماعی خاص گرایانه می شود).
	افزایش فرصت انتخاب و مشارکت، پذیرش خطاها و انتشار عملکرد، تکثیر الگوهای مطلوب، تفاهم نسلی در قالب فراهم سازی فرصت تعاملات بین نسلی، بهره گیری بهینه از نهادهای مذهبی (مساجد و تکایا) در جهت تقویت تعاملات اجتماعی، طرح فعالیت های داوطلبانه، کارمندان در قالب تشکیل جلسات مشورتی معطوف به مسائل حوزه کاری از طریق تلاش های سازمان یافته و هماهنگ برای مشارکت پرسنل در اجتماعات محلی، شکل دادن واحد های جدید مردم نهاد توسط سازمان های دولتی با درخواست از نیروهای اجتماعی برای کمک و مشارکت در شکل گیری سرمایه اجتماعی عام گرایانه، حمایت از بخش داوطلبانه، گروه های همیار و خودیار و دفاع از راهبرد مشارکتی و پایین به بالا، توسعه تحقق شایسته سالاری، پاسخگویی و اصلاح ساختارهای مخدوش امتیاز دهی و پاداش، کاهش مقررات دست و پاگیر و زائد به منظور چابک سازی ادارات و سازمانها، گسترش ایده شهروند اجتماعی با تشویق و معرفی شهروندان مشارکتی
	بسط ارزش های اخلاقی از حیث نظری و عملی، فعال ساختن افراد در قالب نقش دادن به آنها، تشویق به عضویت در انجمن ها، کانون ها، تشویق به مسئولیت پذیری، افزایش آگاهی، آموزش مهارت های اجتماعی و کار جمعی، تقویت حس تعلق و عرق ملی، تقویت «ما» و هویت اجتماعی - ملی در برابر «من» فردی، آموزش حقوق شهروندی و احیای تعهد اخلاقی جمعی به بهزیستی آحاد افراد جامعه، خردگرایی و برخورد خردمندانه با امور و رواج شیوه تفکر و اندیشه انتقادی فعال و سازنده، قانون گرایی و تقویت احساس تعهد و تکلیف در برابر مصالح و منافع ملی، تقویت نگرش مثبت به آینده و امید و نشاط اجتماعی

#### ۴- حکمرانی خوب و ویژگی های آن

حکومت داری یا حکمرانی خوب برای اولین بار در سال ۱۳۷۹ میلادی توسط ویلیام سون در ادبیات اقتصادی بکار گرفته شد و از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات علمی توسعه مطرح گردید (هاوس و دیگران، ۲۰۰۴: ۳). بانک جهانی اولین نهاد و سازمان بین المللی بود که در سال ۱۹۸۹ میلادی مفهوم حکمرانی خوب را به عنوان راه حل بهبود و ارتقای شرایط اقتصادی و سیاسی

کشورهای جنوب صحرای آفریقا و افزایش کارآمدی دولتهای آنها به کار گرفت (دمرز و دیگران، ۲۰۰۴). حکمروایی خوب را امری جوهری در فرآیند توسعه پایدار به شمار آورده و آن را در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با توسعه اقتصادی- اجتماعی قلمداد می کنند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۳۳۳). بر اساس دیدگاه برخی، حکمرانی صرفاً شامل دولت نمی شود، بلکه بخش خصوصی، افراد و گروه های جامعه مدنی را نیز در برمی گیرد و سیستم ها، رویه ها و... که به نوعی در امر برنامه ریزی، مدیریت و تصمیم گیری دخیل هستند را نیز شامل می شود (مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۹: ۴۶). مفهوم حکمرانی خوب توسط سازمانها، دولت و مردم با توجه به تجربیات، علایق و دیدگاههای آنها به صورت گوناگونی تعریف می شود.

براساس تعریفی کلان، حکومتداری یا حکمرانی عبارت است از فرآیندی که به واسطه آن مؤسسات دولتی به اداره امور عمومی می پردازند، منابع عمومی را مدیریت کرده و از حقوق افراد جامعه حمایت می کنند. بنا به تعبیری دیگر، حکومت داری عبارت است از شیوه به کارگیری قدرت در مدیریت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور (شکری، ۱۳۸۶). حکمرانی خوب نیز براساس تعریف برنامه عمران ملل عبارت است از مدیریت امور عمومی براساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومتداری (مرادی، ۱۳۹۳: ۳).

براساس یکی از تعاریف ارائه شده، حکومت داری خوب عبارت است از انجام وظایف حکومت به شیوه های عاری از فساد و تبعیض و در چارچوب قوانین موجود. طبق تعریفی دیگر، حکومت داری خوب عبارت است از رعایت شفافیت، پاسخ گویی و برابری در فرآیند برآورده کردن نیازهای مردم (مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۹: ۴۶). همان طوری که از تعاریف بر می آید، حکومت داری مطلوب در واقع بر کیفیت و نحوه انجام وظیفه حکومت داری تأکید می کند.

در مجموع حکمرانی خوب هدایت و مدیریت صحیح و کارآمد جامعه در چارچوب حاکمیت قانون، تصمیم گیری منطقی و عادلانه همراه با شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، مشارکت عمومی و راهبردهایی از این قبیل می باشد، بدیهی است تعامل شهروندان و نیروهای سیاسی- اجتماعی جامعه مدنی با دولت، در تحقق این امر ضروری است (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۴۹). تحقق حکومت داری خوب نیازمند شراکت سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است اما تحقق این شراکت از یک طرف نیازمند تأمین سرمایه در اشکال مختلف است و از طرف دیگر با موانع بالقوه متعددی روبرو است. در صورتی که همکاری دوجانبه، اعتماد و احترام بر روابط میان طرفهای مختلف شراکت حاکم باشد موانع می توانند به فرصت های جانبی تبدیل شوند (منوریان، ۱۳۷۹: ۲۲).

**ویژگی های حکمرانی خوب:** درباره ویژگی های حکمرانی خوب نیز همچون تعریف این واژه، دیدگاه های مختلفی ارائه شده است. جدول شماره ۱ شاخص ها و مولفه های حکمرانی خوب را از دیدگاه افراد و سازمانهای مختلف نشان می دهد. برابر جدول زیر کامل ترین فهرست مختصات حکمرانی خوب توسط برنامه توسعه ملل متحد (UNDP<sup>۱</sup>) ارائه شده است که عبارتند از: مشارکت، قانون مداری، شفافیت، پاسخ گویی، توجه به خرد جمعی، اثربخشی و کارآیی، مسئولیت پذیری و عدالت. البته سایر مراجع ذیربط نیز از جمله کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) و بانک توسعه آسیا فهرست جامعی از عناصر حکومت داری خوب ارائه کرده اند.

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود از بین ۸ مولفه مورد نظر برنامه توسعه ملل متحد، مولفه های عدالت، پاسخ گویی و مشارکت در اغلب تعاریف، جزء شاخص های حکمرانی خوب آمده است که این بیانگر اهمیت و نقش این مولفه ها در تحقق حکمرانی خوب است. در جدول شماره ۳ نیز گویه های مربوط به شاخص های هشت گانه مورد تأکید برنامه توسعه ملل متحد آمده است. مؤلفه های فوق قابل طرح در چهارچوب مفهومی یکسان با رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر نیز بوده و جزء عناصر پیش نیاز و شاخص های مشترک رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با حکمرانی خوب می باشند.

جدول ۲- مولفه های حکمرانی خوب در منابع مختلف (ملکی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵)

مشارکت	پاسخگویی	کارآیی و اثربخشی	شفافیت	مسئولیت پذیری	قانونمندی	عدالت	مشروعیت	توافق جمعی	امنیت
*	*	*	*	*	*	*	*	*	
	*					*			برنامه توسعه سازمان ملل
	*					*			جان فریدمن

<sup>۱</sup> United Nations Development Program



			*			*	*	*	*	بانک جهانی
			*			*	*	*	*	مرکز اسکان سازمان ملل
			*	*	*			*		معاون واحد عملیاتی
					*			*	*	دنیس ماتا
			*			*	*	*		موریتاسا جیکو، زاله داروود
			*			*		*		سان فنگ کام
			*					*	*	دیوید جی. ای. داگلاس
			*		*			*	*	برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد
			*	*				*		دائیل کافمن، آرت کرای، پاپلویزید و لوبتون
			*			*		*	*	تیلور، ویس، موبیس و تیسدل

### جدول ۳ - شاخصها و گویه های مورد استفاده برای سنجش وضعیت حکمروایی مطلوب (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷)

شاخص ها	گویه های مدنظر
مشارکت	اتاق فکر و مشورت، مشارکت در فعالیت عام المنفعه، مشارکت مردم در برنامه ریزی، تصمیم سازی و تصمیم گیری جمعی، مشارکت نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برنامه ریزی، جذب سرمایه گذاری خارجی، نظارت بر تصمیم گیریها، ایجاد بستر برای فعالیت مردم، تفویض اختیار و واگذاری اداره محلات به خود مردم، تسهیل مداخله شهروندان در روند توسعه
پاسخگویی	پاسخگویی مدیران به وظایف خود، برگزاری جلسات عمومی برای تشریح اقدامات، رضایتمندی از پاسخگویی مدیران، ایجاد ساز و کاری برای انتقال نیازها و خواسته های مردم به مسئولان رده بالا، پاسخ قانع کننده مدیران به مردم، رو راست بودن مدیران در ارائه برنامه ها، تشکیل جلسات عمومی برای در جریان قرار دادن مردم، پاسخگو بودن مدیران به عنوان یک اصل و باور، نبود فعالیت های خودسر و بی مسئولیت، جذب مشارکت از طریق پاسخگویی مدیران، همبستگی بین مردم و مسئولین از طریق پاسخگویی مدیران
مسئولیت پذیری	تلاش مدیران برای تشویق مردم به پذیرش مسئولیت، شایستگی مدیران در پذیرش مسئولیت، احساس مسئولیت مدیران، اعتراف مدیران به اشتباهات خود، پیگیری تحقق طرحهای در دست اجرا، تمرکز زدایی، مسئولیت پذیری مردم
قانون مندی	پارتهی بازی و ... در کارهای اداری، تأثیرگذاری گروههای صاحب نفوذ در تصمیم گیریها (سنجش فساد)، شرکت افراد ذینفع در مدیریت جامعه، میزان پایبندی مردم به قوانین و مقررات، پایبندی مدیران به حقوق مردم، آگاهی و اطلاع مدیران از حقوق شهروندی، پایبندی مدیران به عرف و آداب و رسوم اجتماعی، التزام مدیران به برابری در برابر قانون، آگاهی مدیران از حقوق مکان زندگی، مقاومت مدیران در برابر رفتارهای خلاف قانون مردم
توافق جمعی	کار مشارکتی، موفقیت فعالیتهای گروهی، همسویی و همفکری مدیران و مردم، همفکری مدیران با سایر سازمانها و نهادها، توافق جمعی بیشتر در نتیجه تعامل مدیران با نهادهای دولتی، حمایت از منافع اکثریت گروهها و طبقات اجتماعی، ایجاد ساز و کاری برای مشورت بین سازمانهای رسمی توسعه اجتماعی و شهروندان
عدالت محوری	عدالت در توزیع برابر و عادلانه امکانات، پارتهی بازی و حق و ناحق کردن، دسترسی به فرصتهای برابر و یکسان، انجام طرحها در زمان تعیین شده، توجه به منافع جمعی، فراهم شدن حقوق شهروندی، عضویت زنان در مدیریت، استفاده معقولانه از منابع و امکانات، عدالت جنسیتی
شفافیت	شفافیت در تصمیم گیری، شفافیت در ارائه عملکرد، صداقت در دادن اطلاعات، نظرخواهی از مردم نسبت به طرحها، مصمم بودن به اجرای تصمیمات گرفته شده، اظهار نظر مردم نسبت به عملکرد مدیران
کارآیی و اثربخشی	تداوم فعالیت مدیران، بهبود روشها و اقدامات برطبق دانش جدید، بهبود شیوه امور، در نظر داشتن رضایت، مشارکت مردم، کاهش هزینه ها و ارتقای کیفیت خدمات، رضایتمندی مردم از اقدامات مدیریت، پوشش خدمات در جامعه، ارائه خدمات توسط بخشهای دیگر جامعه، موثر بودن اقدامات مدیران برای نیل به اهداف تعیین شده، موثر بودن روند فعالیت مدیران

### ۵- حکمرانی خوب و اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر

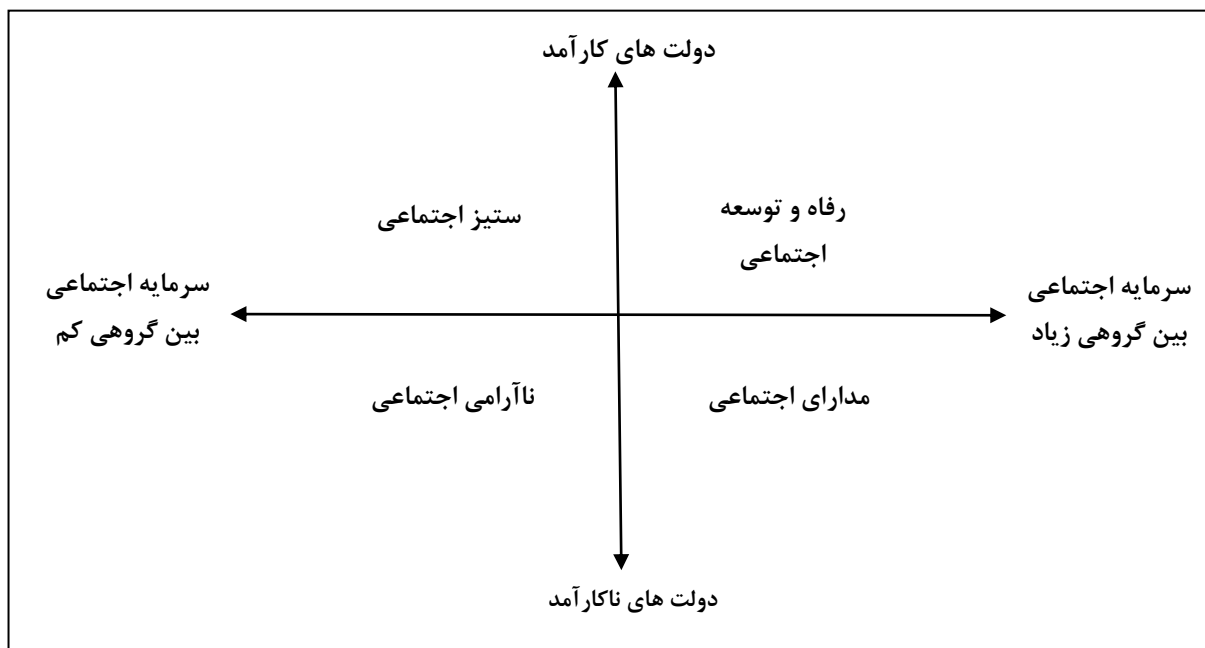
در تبیین ارتباط بین دو مفهوم حکمرانی خوب و اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر، مشارکت به عنوان مهمترین مولفه و پل ارتباطی، اساسی ترین نقش را ایفا می کند. مشارکت عنصری از سرمایه اجتماعی و مقوم آن و ابزار مناسبی در توسعه و توانمندسازی اجتماعی است که کنش انسانی و احساس تعلق اجتماعی را در افراد یک جامعه ایجاد و تقویت می کند.

از طرف دیگر سرمایه اجتماعی منابع و پایه هایی دارد (جدول ۱) که حکمرانی خوب و مولفه های آن بخش مهمی از آنها محسوب می شود. از سویی، سرمایه اجتماعی با کارکردهای خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم مشارکت مردم را برای مبارزه جمعی با جرائم و آسیب های اجتماعی از جمله توزیع و مصرف مواد مخدر افزایش داده و از این طریق شرایط را برای تحقق اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر فراهم می کند و در نهایت در ارتقاء کیفیت و سطح حکمرانی و تحقق حکمرانی خوب نیز اثر می گذارد. به عبارت دیگر، تحقق اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر متأثر از میزان غنای سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی نیز وابسته به کیفیت و سطح حکمرانی خوب است. بنابراین تحقق اجتماعی شدن مبارزه در گرو حکمرانی خوب بوده و متقابلاً ارتقاء دهنده سطح و شاخص های حکمرانی خوب می باشد. بنابراین یک رابطه دو سویه بین اجتماعی شدن مبارزه (به پشته سرمایه اجتماعی) و حکمرانی خوب وجود دارد.

ولکوک و ناریان (۱۹۹۹) با نگاه تلفیقی و چند جانبه به سرمایه اجتماعی رویکرد هم افزایی را مد نظر قرار داده و برای نظریه پردازان، محققان و سیاستگذاران سه وظیفه را پیشنهاد می نماید:

- ۱- شناسایی ماهیت و حدود روابط اجتماعی محلی و نهادهای رسمی و نیز تعامل بین آن دو؛
- ۲- توسعه راهبردهای نهادی مبتنی بر فهم این روابط و بسط سرمایه اجتماعی در اشکال درون گروهی و بین گروهی؛
- ۳- تحقق زیربناهای مثبت سرمایه اجتماعی چون؛ تعاون، اعتماد و کارآیی نهادی که بتوانند فرقه گرای، انزواطلبی و فساد را خنثی نمایند.

شکل ۲ رابطه بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب را با توجه به کم و کیف این دو مقوله نشان می دهد.



شکل ۲- رابطه بین سرمایه اجتماعی بین گروهی و حاکمیت خوب (غفاری، ۱۳۹۰: ۸۶)

در توضیح وظایف فوق باید گفت سرمایه اجتماعی همان گونه که اگر به صورت بین گروهی و عام گرایانه در اختیار گروه های اجتماعی و مدنی باشد منجر به اثرات و نتایج مطلوب در شکل گیری گروه های مشارکتی برای کنترل و کاهش آسیبها و جرائم اجتماعی می شود؛ به همان اندازه اگر به صورت درون گروهی قوی و خاص گرایانه در اختیار گروه های ضداجتماعی و تبهکار قرار گیرد، باعث افزایش جرم و فساد و تشویق افراد برای اعمال مجرمانه می شود. اینجاست که حکمرانی خوب با تسهیل مداخله شهروندان در روند امور اجتماعی و جلب مشارکت مردم در فعالیت های عام المنفعه و همه شمول، سرمایه اجتماعی خاص گرایانه و درون گروهی را به سرمایه اجتماعی عام گرایانه و برون گروهی سوق داده و از شکل گیری حفره های امنیتی و زمینه های جرم و جنایت از جمله گروه های تولید، قاچاق و توزیع مواد مخدر و روانگردان ها پیشگیری می کند.

بدون مشارکت و همکاری تمامی شهروندان، امنیت انتظامی و مبارزه با جرائم اجتماعی موثر و کارا نخواهد بود. مشارکت و همکاری مردم منوط به چگونگی تعامل سازمانهای دولتی با مردم، اعتماد مردم به سازمان های مذکور و میزان مشروعیتی است که این سازمانها در نزد و نظر مردم دارد. اعتماد در مشروعیت یک سازمان و نهاد و قابلیت حرفه ای، تعیین کننده است. حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی یک سازمان و نهاد در سایه افزایش کارآیی، معتمد واقع شدن، پاسخگویی، عدالت اجرایی، قانون گرایی و نگاه عام گرایانه داشتن نسبت به آحاد افراد و اقشار مختلف اجتماعی است. حکمرانی مطلوب امنیتی، امنیت را به عنوان یک خیر جمعی ارزشمند شمرده و مفهوم دولت درست کار را به عنوان پیش شرط ارتباط سازنده میان سازمانهای امنیتی و انتظامی و مردم می پذیرد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۰۹). بنابراین شناسایی شرایطی که در قالب آن بتوان بین بخش دولتی و کنشگران خصوصی رابطه متقابل بهینه برقرار کرد و از توان و همیاری همه نیروها استفاده نمود، مهم و ضروری است. با نظر به اهمیت مشارکت پذیری مردم در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر و جایگاه آن در تجزیه و تحلیل ارتباط متقابل دو مفهوم مورد بحث، در اینجا خلاصه ای از نتایج تعدادی از پژوهش های انجام شده در خصوص مشارکت در ایران به شرح جدول ۴ آورده می شود.

**جدول ۴- خلاصه ای از نتایج تعدادی از پژوهش های انجام شده در خصوص مشارکت در ایران (جمع آوری و تلخیص از نگارنده)**

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال پژوهش	جامعه و نمونه آماری و محدوده جغرافیایی پژوهش	خلاصه نتایج
۱	بررسی مشارکتی شورایاری ها در محلات شهر تهران	غلامرضا کاظمیان و رضا شادمان فر (۱۳۷۵)	محلات سطح شهر تهران با نمونه آماری ۳۸۵ نفر از شهروندان و ۲۰۰ نفر از شورایاران	اغلب شورایاران دارای سابقه طولانی مشارکت در امور مذهبی، مساجد و هیات هستند. علی رغم پایین بودن تخصص و سطح تحصیلات شورایاران، میزان شرکت آنان در جلسات مشترک با مدیریت شهری و مشارکت در تصمیم گیریها موید این نکته است که مشارکت شهروندان در مدیریت شهر و محله خود در حال شکل گیری است.
۲	بررسی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)	علیرضا علوی تبار (۱۳۸۲)	بررسی سابقه مشارکت در ایران و جهان	بررسی؛ - تجربال الگوهای مشارکتی در ایران و جهان - مشکلات مدیریت شهری در ایران که مانع مشارکت اند. الگوهای مشارکت سنتی و جدید در ایران و جهان
۳	بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری	میثم موسایی و بهزاد رضوی الهاشم (۱۳۸۸)	جامعه آماری: شهرتهران نمونه آماری: ۶۰ نفر شامل ۳۰ نفر از اساتید و صاحب نظران دانشگاهی شهرتهران (مرتبط با امور شهری) و ۳۰ نفر از برنامه ریزان اجرایی امور شهری معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران	مشارکت شهروندان به طور اعم در ایران و به طور اخص در شهر تهران دارای موانع ساختاری، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی-مدیریتی، حقوقی-قضایی است. علی رغم موانع موجود، نقاط قوت و فرصتهای زیادی نیز جهت ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری وجود دارد. به علاوه ضعفها و تهدیدهای مشارکت از سوی شهروندان و مدیریت شهری، مشارکت را تحت تاثیر قرار داده است. هنوز ضرورت مشارکت در امور شهری از سوی مدیران شهری و شهروندان احساس نمی شود. مشارکت شهروندان عمدتاً صوری، سمبلیک و نمادین است.
۴	بررسی مشارکت شهروندان در اداره بهینه امور شهری	اصغر احمدی و محمود توکلی (۱۳۸۸)	خانواده های ساکن محدوده شهرداری منطقه ۱۷ تهران با جامعه آماری ۶۶۷۱۱ خانوار و نمونه آماری ۱۰۵ نفر	در مجموع میزان گرایش به مشارکت در امور شهری بیش از حد متوسط ارزیابی شده و ارزیابی پاسخگویان نسبت به پیامدهای مشارکت در کل مثبت بوده است.
۵	بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری نمونه موردی: منطقه ۱۰ شهرداری مشهد	کتایون علیزاده، مرتضی رضوی نژاد و مینا رادفر (۱۳۹۲)	جامعه آماری: منطقه ۱۰ شهرداری مشهد نمونه آماری: ۳۸۰ خانوار	نقش مردم در اداره امور شهر در منطقه ۱۰ شهرداری مشهد به ترتیب اولویت به این شرح بوده است: مشارکت معنوی-ذهنی ۴۲٪، مشارکت سیاسی ۳۴٪، مشارکت فیزیکی ۲۷٪، مشارکت مالی ۲۳٪ و مشارکت ابزاری ۳٪. میزان مشارکت کلی که حاصل تلفیق میزان مشارکت در نقش های پنجگانه فوق بود نیز به میزان ۲۶٪ مشارکت، نسبتاً کم ارزیابی گردید.

**ادامه جدول ۴- خلاصه ای از نتایج تعدادی از پژوهش های انجام شده در خصوص مشارکت در ایران (تلخیص از نگارنده)**

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال پژوهش	جامعه و نمونه آماری و محدوده جغرافیایی پژوهش	خلاصه نتایج
۶	بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اعضای	حجت اله	جامعه آماری: اعضای جامعه بسیج استان چهارمحال و	بین مسئولیت پذیری، سابقه مشارکت، رضایتمندی اعضای بسیج از خدمات و عملکرد دستگاه های تأمین کننده نظم و امنیت، احساس تعلق و اعتماد

	بسپج در ارتقاء نظم و امنیت اجتماعی جامعه (مورد مطالعه استان چهارمحال و بختیاری)	مرادی پردنجانی و ساناز مطلبی (۱۳۹۲)	بختیاری نمونه آماری: ۸۴۳ نفر	اجتماعی اعضای بسپج با مشارکت آنان با دستگاه های تأمین کننده نظم و امنیت، رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که فقط تأثیر مسئولیت پذیری و سابقه مشارکتی معنی دار است و تأثیر بقیه متغیرها بر مشارکت اعضای بسپج معنی دار نشده است.
۷	بررسی تطبیقی تأثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: محلات شهر تبریز)	ابوالفضل قنبری (۱۳۹۳)	جامعه آماری: خانوارهای ساکن شهر تبریز نمونه آماری: ۴۵۰ نفر	نتایج حاصل از تحقیق نشان داد هر چند که میزان مشارکت در محلات مختلف در نوسان بوده است، لکن در مجموع میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر متوسط به بالا می باشد.
۸	ارزیابی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت محله ای (مطالعه موردی: محله سنگلج شهر تهران)	کرامت اله زبیری، مجید سعیدی راد و سامان حیدری (۱۳۹۲)	جامعه آماری: محله سنگلج در منطقه ۱۲ تهران با حدود ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت نمونه آماری: ۹۶ نفر	نتایج بیانگر پایین بودن میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری می باشد و میتوان نتیجه گرفت هنوز زمینه برای مشارکت شهروندان در مدیریت محله فراهم نشده است، هرچند که در میان شهروندان محله سنگلج، تمایل به مشارکت در امور محله در حد بالایی قرار دارد. بنابراین این یک سرمایه بزرگ و بالقوه است که باید زمینه برای بالفعل کردن آن فراهم شود. می توان گفت که هنوز شورایی نتوانسته به عنوان یک نهاد مردمی زمینه را برای مشارکت مردم در اداره امور شهری فراهم کند.
۹	بررسی تأثیرات شبکه های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)	کیومرث اشتریان و محمدرضا امیرزاده (۱۳۹۴)	جامعه آماری: تمام افراد بالای ۲۰ سال ساکن شهر تهران نمونه آماری: ۳۸۴ نفر	نتایج حاصل از تحقیق نشان داد رابطه بین عضویت در شبکه های اجتماعی مجازی و مشارکت شهروندان منفی و معنادار است.
۱۰	تعیین میزان تأثیر بی تفاوتی اجتماعی بر افزایش شیوع اعتیاد به مواد مخدر در جامعه و تبیین عوامل موثر بر آن	عبدالرضا بایاری و علیرضا محمدی آریا (۱۳۹۵)	جامعه آماری: ۷۰۰۰ خانواده دارای فرد معتاد و ۷۰۰۰ نفر خانواده فاقد فرد معتاد در شهرستان گرگان نمونه آماری: ۳۸۶ خانواده دارای فرد معتاد و ۳۸۶ خانواده فاقد فرد معتاد	بی تفاوتی اجتماعی خانواده های دارای فرد معتاد نسبت به خانواده های فاقد فرد معتاد در سطح بالایی بوده و مسئولیت پذیری اجتماعی، حمایت اجتماعی، سلامت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تحلیل هزینه-فایده، نوع دوستی، دین داری، پیوند اجتماعی، همدلی و شبکه اجتماعی خانواده های فاقد فرد معتاد بالاتر از خانواده های فاقد فرد معتاد بوده اما میزان فردگرایی خانواده های فاقد فرد معتاد در سطح بالاتری قرار داشته است.
۱۱	رفتار دانشی شهروندی: نقش یادگیری صلاحیت های رفتار دانشی شهروندان در اجتماعی شدن مبارزه بامواد مخدر	ایرج سلطانی، محمدحسین مشرف جوادی و علیرضا برازی (۱۳۹۷)	جامعه آماری: اساتید و کارکنان دانشگاهها و مراکز آموزشی پژوهشی (دانشگاه های اصفهان، علوم پزشکی، صنعتی، آزاد اسلامی، پیام نور و هنر) شهر اصفهان نمونه آماری: ۳۷۹ نفر	موفه ها و شاخص های کلیدی رفتار دانشی شهروندی (به عنوان یکی از مفاهیم جدید توسعه دانش شهری و مقوی مشارکت) در شهر اصفهان در فرایند اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر مورد بررسی قرار گرفته و برابر یافته های تحقیق، شهروندان شهر اصفهان در سطح دوم (میان) بلوغ رفتار دانشی شهروندی تشخیص داده شدند.

با توجه به آنچه از جدول ۴ بر می آید، در مجموع نتایج تحقیقات در خصوص الگوهای مشارکت پذیری در مناطق مختلف کشور از رضایتبخشی کامل برخوردار نیست و مواردی از ضعف در فرهنگ مشارکتی جامعه به چشم می خورد. طبیعتاً برخی از کمبود ها ناشی از بی علاقه و عدم توانمندی شهروندان برای مشارکت در مسائل و موضوعات اجتماعی بوده و برخی نیز حاصل ضعف یا ناتوانی مدیران و دستگاه های دولتی در توانمندسازی مردم و ظرفیت سازی برای مشارکت آنان است. با این وجود، تحقیقات فوق نشان می دهد که در برخی مناطق جغرافیایی کشور شرایط امیدوار کننده ای برای مشارکت مردم در زمینه مسائل اجتماعی وجود دارد که می تواند بارقه های امید و زمینه ساز مبارزه اجتماعی با مواد مخدر باشد. هرچند که باید این زمینه ها و نقاط قوت توسط دست اندرکاران و حکمرانان در حوزه مبارزه با مواد مخدر تقویت گردد.

از سویی دیگر، گزارشات بانک جهانی از وضعیت حکمرانی در ایران که بر اساس ۶ شاخص پاسخگویی، ثبات سیاسی و نبود خشونت، کارآیی و اثر بخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد صورت گرفته است، حاکی از این است

که به جز شاخص اثربخشی دولت که از سال ۱۳۷۵ تاکنون غالباً از بالاترین امتیاز حکمرانی برخوردار بوده است (کریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰) بقیه شاخص ها درصد نرخ کیفی پایینی را به خود اختصاص داده اند. برابر جدول شماره ۴ درصد نرخ کیفی شاخص اثر بخشی دولت در سال ۲۰۱۶ بالاترین و نزدیک به ۴۶ درصد توسط بانک جهانی ارزیابی شده در حالی که نرخ کیفی بقیه شاخص ها از ۲۶ درصد تجاوز نکرده است. همچنین برابر جدول زیر و دیگر گزارشات موجود (ذاکری، ۱۳۹۷: ۱) شاخص پاسخگویی که در سال ۲۰۱۲ پایین ترین درصد نرخ کیفی در بین شاخص های حکمرانی را به خود اختصاص داده بود در سال ۲۰۱۶ کمی بهبود یافته است. ذکر این نکته لازم است که در سالهای اخیر وضعیت حکمرانی در ایران بر اساس شاخص های مذکور با یک خیز مناسبی در حال بهبود می باشد (کریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰ و ناظر اقتصاد، ۱۳۹۶).

با توجه به مباحث بالا می توان گفت که هم وضعیت مشارکت های مردمی در کشور و هم وضعیت حکمرانی در شرایط افت و خیز ولی با میل به بهبود قرار دارد که لازم است دست اندرکاران در اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر برنامه ریزی لازم را در خصوص بهبود و تقویت شاخص ها و مولفه های اثر گذار به عمل آورند تا برنامه ریزی های صورت گرفته با موفقیت بیشتری به مرحله عمل رسیده و نتیجه مطلوبی منجر شوند.

**جدول ۴- روند تغییرات درصد نرخ کیفی وضعیت ایران در شاخص های حکمرانی مطلوب از منظر بانک جهانی (محمودی و آرش پور، ۱۳۹۶: ۲۲۳-۲۳۲)**

شاخص های حکمرانی	درصد نرخ کیفی سال ۲۰۰۴	درصد نرخ کیفی سال ۲۰۰۸	درصد نرخ کیفی سال ۲۰۱۲	درصد نرخ کیفی سال ۲۰۱۶
پاسخگویی و حق اعتراض	۱۴/۵	۷/۲۱	۵/۶۹	۱۱/۳۳
ثبات سیاسی	۲۲/۱	۱۶/۲۷	۹/۹۵	۲۰/۴۸
اثر بخشی دولت	۴۰/۱	۳۳/۰۱	۳۵/۸۹	۴۵/۶۷
کیفیت مقررات	۹/۵	۲/۹۱	۶/۷۰	۶/۶۷
حاکمیت قانون	۳۴	۲۰/۶۷	۱۹/۹۱	۲۵/۹۶
کنترل فساد	۴۳/۵	۲۷/۶۷	۲۳/۹۲	۲۵/۹۶

#### ۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

- با جمع بندی مباحث نظری تحقیق و نظر به تجربیات و سوابق موجود می توان چنین نتیجه گرفت که:
- حکمرانی خوب نقش موثری در تحقق اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر داشته و روابط بسیار نزدیک و تنگاتنگی با این رویکرد دارد. اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر نیز با توجه به اینکه از سنخ مشارکتی است تأثیر متقابلی در بهبود حکمرانی خوب دارد. در واقع اجتماعی شدن مبارزه شیوه ای شایسته در حکمرانی خوب مبارزه با مواد مخدر محسوب می شود. در ارتباط بین این دو شیوه و رویکرد مدیریتی، مولفه و عنصر مشارکت نقش بی بدیلی ایفا می کند. با اینکه دو رویکرد فوق در اغلب شاخصها و مولفه ها با همدیگر ارتباط مفهومی پیدا می کنند و در واقع چهارچوب مفهومی مشابهی دارند، لکن در این میانه، مولفه مشارکت به عنوان مهمترین مولفه در هر دو رویکرد و پل ارتباطی بین آن دو، اساسی ترین نقش را در تبیین مفهومی و ارتباط متقابل عملکردی بین آنها ایفا می کند. و با شکل دادن و تقویت سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب را درحوزه مبارزه با مواد مخدر تسهیل می بخشد.
  - تا توسعه پایدار اقتصادی در مناطق مختلف کشور به ویژه مناطق آسیب پذیر از نظر اقتصادی اعم از مناطق مرزی، مناطق آسیب خیز و فقیر نشین داخل شهرها و سکونتگاه های غیر رسمی حاشیه شهرها و ... صورت نگیرد امکان جلب مشارکت مردم مناطق فوق در مبارزه با مواد مخدر ممکن نخواهد شد و علاوه بر کاهش مشارکت آنان در مبارزه، سبب همکاری و مشارکت آنان در قاچاق و توزیع مواد مخدر نیز خواهد شد و با شکل گیری مناطق ممنوعه و حفره های امنیتی در قالب مزارع و کارگاه های تولید مواد، باندهای قاچاق، دپو های مواد مخدر و پاتوقهای توزیع و مصرف مواد به نوعی مشارکت منفی و رفتارهای مجرمانه با طیفی از رفتارها و اقدامات فردی تا تحرکات و تشکیلات

گروهی و جرائم سازمان یافته صورت خواهد گرفت. این نگرانی نیز مزید بر علت است که نوسانات اقتصادی دو سال اخیر و افول قدرت اقتصادی جامعه موجبات فروپاشی ساختار متزلزل مناطق مرزی، فقیر نشین و حاشیه نشین و سکونت گاههای غیر رسمی در معرض آسیب را فراهم نموده و مشکل یادشده را تشدید نماید. در این صورت توزیع قدرت و پول کثیف مبنای زندگی گروه های مختلف اجتماعی شده و مشارکت مردم در مبارزه را به میزان قابل توجهی تنزل خواهد داد.

- با تسهیل مشارکت مردم و فعالیت انجمن های مدنی محلی، اعتماد اجتماعی یافته و به موجب آن شرایط برای شکل گیری توسعه اجتماعی و حکمرانی کارآمد محقق می شود. حکمرانی خوب نیز می تواند از طریق پرکردن حفره ها، خلاءها و بسترهای به وجود آورنده اعتیاد و ایجاد شرایط مطلوب در بدنه جامعه نقش آفرینی کند و در کاهش فقر، بی اعتمادی، ناامیدی و استرس در زندگی مردم به عنوان علل مهم اعتیاد از طریق رفع بیکاری، تورم و فشار اقتصادی و نیز فراهم کردن زمینه غنی سازی اوقات فراغت موثر واقع شود. نتیجه این امر، افزایش احساس تعلق و وابستگی اجتماعی و تقویت مشارکتهای مردمی در مبارزه اجتماعی با مواد مخدر خواهد بود.

- از دید رویکردهای جامعه شناختی، عدم وجود مشارکت، عدم پایبندی به هنجارها و قوانین، ناهماهنگی و ناهمخوانی اهداف تعریف شده با ابزارهای موجود، نابرابری در توزیع منابع و عدم وابستگی و تعلق اجتماعی، از عواملی است که آسیب های اجتماعی از جمله اعتیاد را سبب می شوند. روشن است که با بهبود شاخص های حکمرانی خوب می توان از میزان و شدت عوامل فوق و آسیب های اجتماعی ناشی از آنها مانند تولید، توزیع و مصرف مواد کاسته و از شکل گیری آسیب های اجتماعی بیشتر و جدیدتر جلوگیری کرد.

- با حاکم کردن قوانین و مقررات دقیق، با کیفیت و بازدارنده در جامعه و اجرای بیطرفانه آنها و پر رنگ نمودن ارزشها و هنجارهای اجتماعی از طریق پیاده سازی سیستم قضایی مستقل، قاطع و فساد ناپذیر، می توان از حقوق تمامی افراد جامعه دفاع کرده و از بی اعتمادی آحاد عمومی مردم و عدم تعلق اجتماعی که به شدت بر میزان مشارکت مردم تأثیر منفی می گذارد جلوگیری کرد.

- با ایجاد شفافیت در برنامه ریزی و تصمیم گیری و در جریان قرار دادن مردم از روند اجرا و مسائل و مشکلات آن می توان زمینه نظارت همگانی در امور را ایجاد نمود و با پاسخگویی در برابر آحاد مردم، در جلب اعتماد آنان به دولت به عنوان یکی از شاخصهای سرمایه اجتماعی تلاش کرد. در این صورت رابطه بین دولت و مردم بهبود یافته و مشارکت اجتماعی برای تحقق اهداف مبارزه با هرگونه آسیب و تهدید افزایش خواهد یافت.

برای اینکه رویکرد اجتماعی شدن مبارزه با مواد نقش موثری در کنترل و کاهش آسیب های ناشی از تولید، قاچاق، توزیع و سوء مصرف مواد مخدر ایفا کند و در این راستا از شمولیت بیشتری برخوردار شود و از طرفی حکمرانی خوب را در عرصه مبارزه تحقق بخشد، مواردی به شرح زیر پیشنهاد می گردد:

- با توجه به اهمیت روحیه مشارکتی مردم در اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر و لزوم بهبود وضعیت و ساختارهای مشارکتی و ظرفیت سازی لازم در این زمینه، مطالعه جامعی در خصوص بررسی الگوی مشارکتی مردم در مبارزه با مواد مخدر در سطح کشور به عمل آمده و متعاقب آن و در صورت لزوم برنامه ریزی برای بهبود الگوی مشارکت در مناطق با مشارکت پذیری پایین به عمل آید.

- نظر به نقش فضای مجازی در توزیع و مصرف مواد مخدر و روانگردان ها، و همین طور نقش و جایگاه آن در اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، ظرفیت سازی و میزان مشارکت مردمی، برنامه ریزی لازم جهت استفاده از فضای مجازی در حوزه مبارزه با مواد مخدر و تسهیل شرایط اجتماعی شدن مبارزه با عمل آید.

- با لحاظ ظرفیت مشارکتی مرزنشینان و علائق آنان به همکاری در کنترل قاچاق مواد به و از کشور به ویژه در مرزهای غربی و شرقی و رابطه معکوس بین میزان مشارکت مرزنشینان با انگیزه های اقتصادی آنان از قاچاق مواد (صیدالی و اکبری، ۱۳۹۴: ۲۸۹-۲۹۴)، پیشنهاد می گردد با حکمرانی خوب در مناطق مرزی، برنامه ریزی های کلان برای توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق مذکور صورت گرفته و اجرایی گردد.

- بافت خاص فرهنگی و مذهبی در دو سوی مرزهای کشور به ویژه در مرزهای خشکی شرق و غرب کشور و عدم سنخیت آن با بافت فرهنگی و مذهبی مناطق مرکز ایران (صیدالی و اکبری، ۱۳۹۴: ۲۸۴)، سبب شکل گیری سرمایه اجتماعی بین گروهی و خاص گرایانه در مناطق مرزی شده که زمینه را برای فعالیت مجرمانه گروه های مخالف و یا غیر همسو با اهداف حاکمیت در کنترل قاچاق مواد مخدر در مناطق مرزی فراهم نموده است. در این خصوص لازم است با حکمرانی خوب، توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق یادشده را رقم زده و زمینه های خاص گرایی در مناطق موصوف را البته با رعایت حساسیت ها و اقتضائات خاص خود از بین برد و عام گرایی و روحیه مشارکتی را جایگزین آن نمود.
- با توجه به تأثیر برخورد قضایی و انتظامی با مجرمین مواد مخدر در میزان جلب اعتماد و مشارکت مردمی و نقش آن در میزان تحقق اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر، دستگاههای ذیربط نسبت به بهبود درصد نرخ کیفی وضعیت حکمرانی در مولفه های: کیفیت مقررات (با به بروز نمودن قانون و تصویب قوانین بازدارنده)، حاکمیت قانون (با اجرای دقیق قانون) و کنترل فساد (با برخورد با هرگونه تبانی و فساد در مسائل حقوقی و مالی مربوط به مواد مخدر) اقدام تا شاخص های حکمرانی مطلوب در حوزه مبارزه با مواد مخدر بهبود یابد.
- با نظر به مسئولیت پذیری و علاقه مندی مردم به مشارکت در خصوص ارسال گزارش فعالیت مجرمانه در حوزه مواد مخدر و لزوم آموزش و اطلاع رسانی به مردم در این زمینه، به منظور بهبود زمینه های مشارکت و کاهش خطرات احتمالی ناشی از مشارکت در این رابطه، آموزشهای حقوقی لازم در این خصوص به مردم ارائه شود. و به منظور تداوم مشارکت، نتیجه مشارکت آنان نیز با شفافیت، اطلاع رسانی گردد. در این خصوص بهینه سازی سامانه های مشارکتی فعلی و دوسویه کردن آن به نحوی که مشارکت کنندگان از نتیجه مشارکت خود البته با رعایت رازداری مطلع شوند، ضروری است.

## ۷- مراجع

- احمدی، اصغر. توکلی، محمود (۱۳۸۸)، بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره بهینه امور شهر، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)، سال اول، شماره ۲، صص ۷۳-۹۰.
- اشتریان، کیومرث و امیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۴)، بررسی تأثیرات شبکه های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)، سیاست، دوره ۴۵، شماره ۴، صص ۸۲۵-۸۴۱.
- افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیاری، عبدالرضا و محمدی آرا، علیرضا (۱۳۹۵)، گزارش طرح پژوهشی؛ تعیین میزان تأثیر بی تفاوتی اجتماعی بر شیوع اعتیاد به مواد مخدر در جامعه و تبیین عوامل موثر بر آن، تحت دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر
- بقایی سرابی، علی (۱۳۹۷). اجتماعی شدن، رویکردی نوین در کاهش تقاضای مواد مخدر و روانگردان ها، تهران: انتشارات دنیای درون.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: سلام.
- زیاری، کرامت اله، سعیدی راد، مجید و حیدری، سامان (۱۳۹۳)، ارزیابی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت محله ای (مطالعه موردی: محله سنگلج شهر تهران)، مطالعات مدیریت شهری، سال ۶، شماره ۱۹، صص ۸۵-۹۵.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، قم: نشر لقمان.
- ذاکری، محمد (۱۳۹۷)، بررسی گزارش شاخص های حکمرانی با تأکید بر جایگاه ایران، تحول اداری، سری جدید، شماره سوم، شماره پیاپی ۵۷، صص ۵۶-۶۸.
- سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۱)، شاخصهای حکمرانی خوب شهری در چهارچوب نظریه سیستمی، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی حکمروایی خوب شهری، تهران.
- سعیدی، عباس و همکاران (۱۳۸۸)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای

کشور.

- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکتهای مردمی و سازمانهای غیردولتی، تهران: انتشارات سمت.
- سلطانی، ایرج، مشرف جوادی، محمدحسین و برازی علیرضا (۱۳۹۷)، رفتار دانش شهروندی: نقش یادگیری صلاحیت های رفتار دانش شهروندی در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر، تهران: اعتیاد پژوهی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۱۱-۳۶.
- شکری، خسرو (۱۳۸۶)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و تعارضات سازمانی، همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران.
- علیزاده، کتایون، رضوی نژاد، مرتضی و دادفر مینا (۱۳۹۲)، بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد)، مطالعات برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره اول، صص ۶۱-۸۷.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۲)، مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)(جلد ۱)، تهران: مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت، تهران: نشر نزدیک.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: جامعه شناسان.
- صیدالی، محسن. اکبری، مهدی (۱۳۹۴)، گزارش طرح پژوهشی اثربخشی استفاده از ظرفیت اقوام و طوایف در کنترل مرز و جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و روانگردان، تهران، دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جهان امروز.
- قنبری، ابوالفضل (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی تاثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: محلات شهر تبریز)، جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۱۸، شماره ۴۸، صص ۲۱۱-۲۴۳.
- کاظمیان، غلامرضا. شادمان فر، رضا (۱۳۷۵)، بررسی الگوی مشارکتی شورایاری ها در محلات شهر تهران، شهرداریها، سال نهم، شماره ۸۹، صص ۵۴-۵۹.
- کریمی، محمد شریف، دورباش، معصومه و حیدریان مریم (۱۳۹۶)، بررسی نقش و اثرات حکمرانی، خوب در رشد اقتصادی ایران، اولین همایش بین المللی برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه ای؛ رویکردها و کاربردها.
- کمالان، سید مهدی (۱۳۹۰)، مجموعه قوانین و مقررات مواد مخدر، تهران، کمالان.
- محمودی، امیر و آرش پور، علیرضا (۱۳۹۶)، حکمرانی مطلوب؛ ساز و کار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه، سیاست جهانی، دوره ششم، شماره چهارم.
- مرادی، غلامرضا (۱۳۹۳)، نقش پذیری حکمروایی خوب شهری در پایداری شهر، کنفرانس ملی معماری و منظر شهر پایدار، شهد، صص ۱-۱۲.
- مرادی پردنجانی، حجت اله و مطلبی، ساناز (۱۳۹۳)، بررسی عوامل موثر در مشارکت اعضای بسیج در ارتقای نظم و امنیت اجتماعی جامعه (مورد مطالعه استان چهارمحال و بختیاری)، مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۴، صص ۸۷-۹۵.
- مرکز آموزش مدیریت دولتی (۱۳۸۹)، درسنامه نظارت همگانی و سرمایه اجتماعی.
- مشکینی، ابوالفضل، پورموسوی، سیدموسی و موذن، سهراب (۱۳۹۲)، ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخصهای حکمروایی مطلوب شهری؛ مطالعه موردی: محله اوین تهران، مطالعات شهری، شماره ۶، صص ۳۱-۴۲.
- ملکی، سعید، آروین، محمود و بذرافکن، شهرام (۱۳۹۷)، بررسی نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در تحقق شهر تاب آور (مطالعه موردی: شهر اهواز)، دانش شهرسازی، شماره ۴، صص ۱-۱۸.
- منوریان، عباس (۱۳۷۹)، از دولت خوب تا حکومت داری خوب، مدیریت دولتی، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۲-۹.
- موسایی، میثم. رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۸۸)، بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری، رفاه اجتماعی،



- Fukuyama, F. (1995), Trust: The social virtue and the creation of prosperity, New York, Free press.
- Haus, M., & Klausen, J. E. (2004), Urban leadership and community involvement: ingredients for good governance? Findings from the PLUS project. In City Futures Conference, Chicago
- <http://monitoreconomy.ir>
- Lie Demmers, J., & Fernandez, A. E. (2004), 1 Good Governance and democracy in a world of neoliberal regimes. Good Governance in the Era of Global Neoliberalism: Conflict and Depolarization in Latin America, Eastern Europe, Asia, and Africa, 47, 1.
- UNDP (1997), Governance and Sustainable Human Development United Nations Development Program
- Woolcick, Michael and Deepa Narayan (1999), Social capital: Implications for Development Theory, Research and Policy, Word Bank.